

زمستان در اصفهان، شهر چهارفصل

بدرالسادات عیوقی

پاییز، اواخر میزان (مهرماه) تا اواسط عقرب (آبان‌ماه) کامل می‌شود و فصل خزان و برگ‌ریزان اصفهان فرامی‌رسد. باغدارها و کشاورزان میوه‌ای بر درخت نمی‌گذارند و همه را می‌چینند و در جای مخصوص انبار می‌کنند.

مردم، اصفهان را به شهر چهارفصل می‌شناسند که از لحاظ نظم و ترتیب فصول هیچ یک از شهرهای ایران با آن برابری نمی‌کند.

بارندگی از اواسط آبان آغاز می‌شود و اول قوس (آذرماه) تمام برگ‌های درختان می‌ریزند. در پایان آذرماه هوا کاملاً سرد و احتمال ریزش برف زیاد می‌شود و از اول جدی^۱ (دی‌ماه) تا دهم دلو^۲

اصفهان از شهرهای بسیار قدیمی ایران است و خاکی حاصلخیز از برکت وجود زاینده‌رود دارد. اصفهان به سرزمین هنرپرور و مردم آن به هنرآفرینی مشهورند. سلجوقی‌ها و صفویان آن را به پایتختی انتخاب کردند و آثار باشکوه تاریخی و منحصربه‌فرد فراوانی از دوره‌های مختلف در این شهر پدید آمده است.

در این سرزمین هر یک از فصول چهارگانه سال به صورت کامل پدیدار می‌شود و بنا به روحیه و طبع هر کس جلوه‌ای ویژه دارد. مردم، اصفهان را به شهر چهارفصل می‌شناسند که از لحاظ نظم و ترتیب فصول هیچ یک از شهرهای ایران با آن برابری نمی‌کند.

در اصفهان در اواسط میزان (مهر ماه) هوا اندکی رو به سردی می‌رود و به اصطلاح پاییزی می‌شود. کشاورزان و دامداران از قدیم هفدهم مهر را جلبند (Jolband) می‌نامند و بر این عقیده‌اند که از آن شب به بعد بعضی از میوه‌ها اگر بر درخت مانده باشد، از سرما آسیب می‌بیند. البته اسب و قاطرها هم نیاز به بالاپوش خواهند داشت.

۱. جدی (به فتح جیم و سکون دال) یا جدی (jodey) یکی از

صورت‌های فلکی

۲. دلو (dalv): یازدهمین برج فلکی

(بهمن ماه) اوج سرما، باریدن برف و یخبندان است که به نام «چله بزرگ» معروف است.

از دهم دلو (بهمن ماه) تا اول حوت^۱ (اسفند) سردی هوا کم می شود که به این بیست روز «چله کوچک» می گویند. روایت است که چله کوچک به چله بزرگ می گوید: اگر پشتم بهار نبود چه کارها که نمی کردم! بچه ها را در گهواره و زنان را کنار تنور از سرما سیاه و کبود می کردم.

از اول اسفند تا دهم آن را اسفند و از دهم تا بیستم اسفند را «ماستبند» و از بیست اسفند تا اول فروردین را اصطلاحاً «زاییدن گوسفند» می گویند.

از اول ثور^۲ (اردیبهشت ماه) هوا کم کم رو به گرمی و اعتدال می رود و اول جوزا^۳ (خردادماه) گرمی هوا محسوس است. این ماه زمان رسیدن میوه های اصفهان است که در عطر و طعم شهره اند؛ مخصوصاً گلابی، به، سیب گلاب، خربزه و خیار که خواهان زیادی دارد.

اوج گرما در اصفهان از اول سرطان (تیرماه) شروع می شود، ولی به واسطه درختان زیاد و بخار آب زاینده رود هوای این شهر لطیف و سبک است و لطافت آن در فصل بهار به همه ساکنان آن، طراوت و شادابی ویژه ای می بخشد.

طبیعت اصفهان در دو زمان جلوه ویژه ای دارد؛ یکی در اردیبهشت ماه که از لحاظ سرسبزی و خرمی دشت ها و مزرعه ها و باغ ها منطقه را به بهشت تشبیه می کنند و

این جلوه گری و زیبایی در اواخر اردیبهشت با نمایش گل های سرخ به کمال می رسد و دیگری در اواخر مهرماه که برگ های درختان، طلایی شده، جلوه خزانی می گیرد و فصل پاییز فرامی رسد.

زمستان

نیاکان ما برای هر کاری باور، رسم و سنت ویژه ای داشتند که ریشه ای عمیق در فرهنگ غنی مردمان این آب و خاک دارد. آنها این گنجینه را به صورت شفاهی، سینه به سینه و نسل به نسل به فرزندان و آیندگان منتقل می کردند. این آداب و آیین ها از دیرباز در اکثر نقاط ایران با کمی تغییر و تبدیل اجرا شده است.

شب یلدا

شب در فرهنگ مردم جایگاه و جلوه ای ویژه دارد و برای استراحت و خواب آرام خلق شده است. می گویند برای اینکه خواب آشفته نبینیم، باید شب ها از شام سبک استفاده کرد. به اصطلاح «شب ها باید سر دل را سبک نگه داشت» یا «ناشتایی (صبحانه) را تنها بخور، نهار را با دوستت شریک شو و شام را با دشمنت بخور».

هنگام خواب هم پیشنهاد می کنند که به طرف راست یا روی دست راست بخوابند و این دعا را بخوانند: «سر گذاشتم بر زمین، بر زمین نازنین، کس نیاد به بالینم، جز آقایم امیرالمؤمنین».

اما اگر کسی خواب نامناسبی می دید، صبح وقتی برای وضو برمی خاست، به سر چاه می رفت و سر در چاه می کرد و خطاب به چاه چند بار می گفت: «خواب دیدم، خواب دیدم یا محمد یا علی تعبیر کن، تأویل کن».

۱. حوت (hut): برج دوازدهم صورت فلکی
 ۲. ثور (sur): گاو نر: برج دوم صورت فلکی
 ۳. جوزا (jowza): دو پیکر: برج سوم صورت فلکی



می گذاشتند.

روی کرسی، سینی بزرگی به نام مجمه (majmae) قرار می دادند و آجیل ها و میوه ها را به صورت چشم نواز در سینی می چیدند. شام آن شب معمولاً عدس پلو و ماش پلو با گوشت بود.

از سر شب فرزندان، نوه ها و اقوام نزدیک برای دیدن پدر بزرگ و مادر بزرگ در منزل آنها جمع می شدند. وقتی مجلس گرم می شد، بزرگان از تجربیات خود می گفتند و به صورت نامحسوس و غیرمستقیم راه و رسم درست زندگی کردن و حسن سلوک با مردم را به کوچکترها آموزش می دادند.

شب های پاییز به ویژه زمستان (به علت طولانی بودن آن) وقت جمع شدن خانواده ها و اقوام است. در گذشته، بانوی خانه و مادر بزرگ ها از شروع رسیدن میوه (از اول تابستان) به فکر شب های بلند و سرد سال بودند و انواع و اقسام میوه ها و سبزی ها را برای تهیه مربا، ترشی و شب چره خشک و آماده می کردند. سرکه می انداختند، تخمه های کدو، هندوانه و خربزه و گرمک را خشک می کردند، هسته زردآلو و بادام (چه تلخ و چه شیرین) را در کیسه های نخی یا گونی می ریختند و آن را مدت زیادی در مسیر آب روان قرار می دادند تا هسته ها شیرین و نرم و آماده بودن شود.

هندوانه و خربزه را در میان کاه می گذاشتند و برخی آنها را در سرکه می انداختند.

همه این کارها برای زمستان به ویژه شب یلدا (شب چله) بود تا بساط و سفره شام و شب چره شب یلدا نمود و جلوه ای ویژه به مجلس شب نشینی بدهد.

در شب یلدا چغندر پخته را در قندح های بزرگ می گذاشتند و رویش آب کشک می ریختند که خیلی خوشمزه می شد (این کارها اکنون هم با رنگ و بویی نو اجرا می شود). برخی با آب چغندر پخته و کمی سرکه شربت خوشمزه ای درست می کنند.

اما در گذشته روز قبل از اول دی و شب یلدا، مادرها و مادر بزرگ ها کرسی بزرگ را در وسط اتاق پذیرایی و مهمانی می گذاشتند، زیر کرسی آتش روشن می کردند، لحاف پشمی بزرگ روی کرسی می انداختند و تشکچه ها را در هر چهار سوی آن پهن می کردند و برای پستی، رختخواب ها را در چادرشب خوش رنگ و نقش می پیچیدند و در چهار طرف (برای پشت دادن)

شب یلدا و شب‌های دیگر زمستان محفل درس برقرار بود؛ کلیله و دمنه، شاهنامه فردوسی، دیوان حافظ شیرازی، گلستان و بوستان سعدی، امیر ارسلان نامدار و کتاب‌های طبی ابوعلی سینا از جمله کتاب‌های باب میل مردم بود که باسوادها و ادیبان خانواده به فراخور حال مجلس هر شب بخشی از آن را می‌خواندند.

در اجتماع و جمع گرم خانواده هر کس مقام خود را داشت و بالطبع بزرگ‌ترها از احترام ویژه‌ای برخوردار بودند و بگومگوها و مشاجره‌های افراد را کدخدانم‌شانه به خیر و خوشی حل و فصل می‌کردند. کودکان هم مثل همیشه از محبت سرشار والدین و بزرگ‌ترها بهره‌مند بودند.

این اندک، بخش کوچک و کوتاهی بود از آداب و آیین‌های مربوط به فصل زمستان در اصفهان نصف جهان.

